

عوامل مؤثر بر تحقق و تعمیق اخلاق حسنه در جامعه از منظر قرآن و عترت

محدثه کوچکی، یگانه اسماعیلی^۱

چکیده

اسلام به عنوان آخرین دین جهانی، قرآن کریم را به عنوان کتابی اخلاقی نازل کرده است که هدف آن نهادینه کردن اخلاق و ارزش‌های اجتماعی در جامعه است. در این راستا، مقاله حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر تحقق و تعمیق اخلاق حسنه در جامعه از دیدگاه قرآن و عترت می‌پردازد. هدف این مقاله، توجه به برخی از اصول اخلاقی است که باید در جامعه نهادینه شوند و همچنین پرهیز از برخی رفتارهای ناپسند. از جمله الزامات تحقق اخلاقیات می‌توان به رعایت حقوق دیگران و اصلاح روابط خانوادگی اشاره کرد. همچنین، برخی از رفتارهای اجتماعی که باید از آن‌ها پرهیز کرد، شامل خشم، تکبر و دوستی با افراد نادرست است که در تعالیم اسلامی به آن‌ها اشاره شده است. بنابراین، برای اجرای مؤثر اخلاق اسلامی در جامعه، رعایت پیش‌نیازهایی ضروری است تا بتوان اخلاق حسنه را به خوبی نهادینه کرد. این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیلی و با استفاده از منابع روایی و قرآنی نگاشته شده است.

کلید واژه: اخلاق، اخلاق حسنه، جامعه

^۱ مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) بندر ترکمن

مقدمه

اسلام به عنوان دینی با اخلاق در منطقه ای ظهور کرد که از هر سو، تمدن هایی بزرگ آن را احاطه کرده بود. اما همان گونه که سرزمین خشک جزیره العرب از رطوبت دریاها و اطراف محروم بود، که فرهنگ و اندیشه تمدن های پیرامون نیز در این سرزمین چندان وزیدن نگرفت. نیز اسلام در هنگامه ای پا به عرصه گیتی نهاد که به علل مختلف، تمدن های منطقه ای دوره بالندگی خود را پشت سر گذاشته، رو به ضعف می رفتند و این خود یکی از عوامل موثر در گسترش اسلام بود.

اخلاق با تمدن در طول تاریخ عامل اصلی هویت دهی به اجتماع انسان بوده است. به همین خاطر امروزه هر ملتی به دنبال بازیابی هویت دینی و اخلاقی خویش است. اخلاق متمدن اسلامی یکی از جدی ترین تمدن های بشری بوده که شاخصه بارز آن توانمندی محتوایی آن است که در هر برهه زمانی و مکانی قابلیت بازیابی دارد. تمدن اسلامی نیز دارای مبانی و اصول مفروض و خاص به خود است.

انسان ها چون زندگی اجتماعی را امری متناسب با طبیعت عقلانی خویشان می دانند، آن را برمی گزینند و این گزینش، به خاطر جبر یا از روی درماندگی نیست، بلکه از سر شعور و درک است. در گذشته بشر از امکانات زندگی مدرن بی بهره بود بنابراین در اثر سقوط و تباهی دامنه تأثیر محدودتری داشت. اما امروز با توجه به ارتباطات و فن آوری های پیش روی آن از جمله ماهواره و اینترنت و... تباهی و سقوط اخلاقی بشر دامنه نامحدودتری دارد و به همین ترتیب فساد اخلاقی در حوزه فردی محدود نمی شود و به راحتی از مرزها عبور می کند و از حصار خانه ها می گذرد. از طرفی انسان موجودی اجتماعی و برای تأمین سعادت و رفاه خود ناچار است که با دیگران مراوده و همکاری داشته باشد از آن رو لازم است پایبند به ضوابط و معیارهایی باشد و همه افراد جامعه رفتار و روش خود را بر مبنای آن قرار بدهند تا نظام زندگی اجتماعی را پی ریزی کنند.

اهمیت و جایگاه اخلاق بر کسی پوشیده نیست و هر عقل سلیمی بر اساس فطرت الهی که در نهاد انسان ها قرار داده شده، به دنبال خوبی و دوری از بدی است. همچنین، تمایل انسان ها به خوبی ها نیز از منظر دیگران قابل مشاهده است.

۱: مفهوم شناسی

۱_۱: مفهوم اخلاق

اخلاق در لغت «جمع خُلُق» هنجارهای مورد قبول جامعه که نشان‌دهنده درستی یا نادرستی رفتار اشخاص است. خلق‌و‌خو، رفتار نیز گفته می‌شود.^۱

اخلاق صفات نفسانی راسخ و پایدار که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تامل از آدمی صادر می‌شود.^۲ همچنین اخلاق «جمع خُلُق» و در لغت به معنای خوی هاست.^۳

«اخلاق» در اصل، واژه‌ای عربی است که مفرد آن «خُلُق» و «خُلُق» می‌باشد. در لغت به معنای «سرشت و سبیه» به کار رفته است؛ اعم از اینکه سبیه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد مانند جوان‌مردی و دلیری، یا زشت و ناپسند باشد مثل فرومایگی و بزدلی است.^۴

اخلاق در اصطلاح به صفات درونی انسان گفته می‌شود که در او به صورت عادت در آمده است به گونه‌ای که عمل مربوط به آن صفت در جایی که موقعیت آن پیش می‌آید بدون درنگ از شخص سر بزند. و علم اخلاق، که اغلب با حذف کلمه علم از ابتدای آن به طور مطلق بکار می‌رود، علمی است که با شناساندن صفات نیک و بد و اعمال درست و نادرست اخلاقی، انسان‌ها را به کسب صفات نیک و انجام اعمال درست توصیه می‌کند و راه کارهای عملی این مهم را بیان می‌کند.^۵

۱_۲: مفهوم جامعه

واژه جامعه از نظر لغوی اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» و به معنای گردآورنده، فراهم‌کننده و جمع‌کننده است.^۶

^۱ عمید، فرهنگ فارسی عمید، واژه اخلاق

^۲ مسکویه، تهذیب اخلاق و تطهیر الاعراق، ص ۵۱.

^۳ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۱۵۲۵.

^۴ مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، ص ۱۹

^۵ همان، ص ۲۲.

^۶ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۴۸۹.

اصطلاح جامعه در میان دانشمندان اجتماعی از پر ابهام‌ترین و کلی‌ترین واژگان است. ابهام مزبور تا جایی گسترش یافته که گاه با واژگانی مانند «ملت»؛ «امت» و مفاهیمی دیگر و حتی با اصطلاح تمدن به معنای «مجموعه‌ای گسترش یافته در دوره‌ای قابل ملاحظه از زمان» نیز مترادف شده است و گاه برخی عالمان اجتماعی آن را صرفاً بر اجتماعات بزرگ اطلاق کرده‌اند و جوامع کوچک تر را که به مرحله مدنیت نرسیده‌اند، جماعت، گروه، دسته و... نامیده‌اند.^۱

بنابراین دستیابی به تعریفی روشن و جامع و مانع، دشوار می‌نماید و به رغم کاربردهای فراوانش این مفهوم هنوز تعریفی مورد اتفاق نیافته است.^۲

برخی دیگر سنت‌ها، عادات، رسوم، شیوه زندگی و فرهنگ مشترک را عناصر اساسی در تعریف جامعه برشمرده‌اند و عده‌ای وحدت جزئی جسمی، روانی و اخلاقی بین موجودات هوشمند، برخورداری از حکومتی پویا، فراگیر و کارآمد یا هدف و سرزمین و فرهنگی مشترک و دارای پیوندهای زیستی، فنی و فرهنگی را مهم دانسته‌اند. مراد از وحدت جزئی جسمی، پیوند و تشارک افراد یک جامعه است نه از هر جهت بلکه از برخی جهات، آن چنان که فردیت آنان نیز ملحوظ ماند.^۳

۲: اخلاق حسنه در تعالیم اسلامی

حُسن خُلق، از فضائل اخلاقی مورد تأکید در قرآن و حدیث. مفهوم حسن خُلق در سنت اسلامی، در دو دلالت خاص و عام به کار می‌رود. در معنای خاص، حسن خلق بر فضائل اخلاقی ناظر بر مدارا و حسن معاشرت با مردم دلالت دارد و در معنای عام، مراد از آن، مجموعه تمامی رفتارهای نیکو و اخلاق پسندیده است.^۴

خداوند در آیات مختلف قرآن مسلمانان را به رعایت آداب و اخلاق اسلامی دعوت کرده و به رفتارهایی همچون در نظر گرفتن احترام متقابل، رعایت عدالت، یکدیگر را برادر دینی دانستن، همه را امت واحده خواندن، و همه زیر یک آیین اخلاقی و اعتقادی قرار گرفتن فراخوانده است. مثلاً زمانی که مردم در پیوندها بر قرابت و خویشاوندی و مسئله نژادی تکیه می‌کردند، قرآن یک اصل اساسی را

^۱ بورس، جامعه شناسی، ص ۲۰۱.

^۲ ساروخانی، دائرة المعارف علوم اجتماعی، ص ۷۴۵

^۳ کولب، گولد، فرهنگ علوم اجتماعی، پرهام، ص ۳۸۷ - ۳۸۸.

^۴ میر سلیم، دانشنامه جهان اسلام، ص ۶۱۷۳

متذکر شد و آن اینکه قرب به خداوند، تنها به وسیله ایمان و پیروی از سنن اخلاقی و اعتقادی پیامبران میسر است: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ؛ نزدیکترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کنند و این پیغمبر و امتش که اهل ایمانند؛ و خدا دوستدار و سرپرست مؤمنان است»^۱.

معنایش این است که و خدا دانایتر است این پیامبر معظم یعنی ابراهیم اگر با سایر افراد بشر که بعد از او آمدند، چه دینداران و چه غیر ایشان مقایسه شود، حق این است که نباید او را تابع پیروان حق بعد از او پنداشت، و معنا ندارد او را که تابع حق است، پیرو کسانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند و پیروی از حق می‌کنند دانست، بلکه خود او باید در پیروی حق، معیار آیندگان قرار گیرد و معلوم است که از میان همه آیندگان کسانی نزدیک‌تر به آن جناب یعنی به پیامبری صاحب کتاب و شریعتند که در پیروی حق از او پیروی کنند و متصف به پابندی دینی باشند که آن جناب آورده، پس از تمامی مردم عصر نزول قرآن کریم هم نزدیک‌تر به ابراهیم ع پیامبر اسلام و کسانی هستند که به آن جناب ایمان آورده، برای اینکه تنها اینانند که بر طریقه اسلامی هستند که خدای تعالی ابراهیم ع را بر آن اصطفاء فرموده و همچنین هر کسی است که تا روز قیامت او را پیروی کند نه کسانی که به آیات قرآنی او کفر ورزیده، حق را با باطل درآمیزند و مشتبه سازند.^۲

مصدق کامل این فضیلت، وجود مقدس رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است. قرآن کریم، این مزیت گرانبه‌ای اخلاقی را عنایتی بزرگ از سوی ذات مقدس خداوند دانسته، می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ در پرتو رحمت و لطف خدا با آنان مهربان و نرم‌خو شده‌ای و اگر خشن و سنگدل بودی از گردت پراکنده می‌شدند»^۳.

رسول ما به رحمتی از ناحیه ما نسبت به شما مهربان شده است، و به همین جهت به او امر کردیم که از شما عفو کند و برایتان استغفار نماید و با شما در امور مشورت کند، و وقتی تصمیمی گرفت بر ما توکل کند.^۴

^۱ سوره آل عمران، آیه ۶۸

^۲ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۴۰۰

^۳ سوره آل عمران، آیه ۱۵۹

^۴ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۸۶

امام علی (علیه السلام) درباره گرایش افراد به یکدیگر می فرمایند: «الْأَنْفُسُ أَشْكَالٌ، فَمَا تَشَاكَلَ مِنْهَا اتَّفَقَ، وَ النَّاسُ إِلَى أَشْكَالِهِمْ أُمِلُّ؛ روح و روان انسانها متفاوت است، پس هر کدام به دیگری شبیه باشد به او نزدیک می شود و البته مردم از نظر روانی به هم سنخ خود تمایل بیشتری دارند»^۱.

دوستان و معاشران انسان در عفت یا شهوت او بسیار موثرند. غالباً دوستان و معاشران ناباب و آلوده سبب آلودگی افراد پاک شده اند؛ عکس آن نیز صادق است، زیرا بسیاری از افراد پاک و قوی الاراده توانسته اند بعضی از معاشران ناباب را به پاکی و تقوا دعوت کنند^۲.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ؛ و هر که از یاد خدا (و حکم قرآن) رخ بتابد شیطانی را بر او برانگیزیم تا یار و همنشین دایم وی باشد»^۳.

شیطان همراه، ممکن است از دوستان ناباب یا همسر و فرزند یا شریک فاسد باشد. به همین دلیل کلمه شیطان نکره ذکر شده است تا شامل هر نوع شیطانی شود^۴.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «هر که چنگ زدن به اطاعت خدا را ترک کند، شیطانی برایش قرار می دهد که با او قرین باشد»^۵.

سپس نقش این قرین سوء (همنشین بد) را چنین بیان می کند که آنها، یعنی شیاطین، راه هدایت و حرکت به سوی خداوند را به روی آنها می بندد و آنها را از رسیدن به این هدف مقدس باز می دارد و غم انگیزتر، این که در عین گمراهی گمان می کنند که هدایت یافته اند!^۶

رسول خدا (صل الله علیه) فرمود: «المرء علی دین خلیله و قرینه؛ دین و روش هر کس طبق مذهب و آیین دوست و همنشین خود خواهد بود»^۷.

^۱ محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۹۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹۲، ح ۷۸

^۲ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۵۵

^۳ سوره زخرف، آیه ۳۶

^۴ قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۸، ص ۴۵۵

^۵ برازش، تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۱۴، ص ۶۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱۲

^۶ قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۵۵

^۷ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۷.

دوستی با افراد بد، نیز موجب تبادل افکار و کسب رفتارهای ناهنجار است. همانطور که نسیمی اگر از روی مرداری برخیزد، بوی نا مطبوع را با خود به همراه می آورد.^۱

قرآن کریم از سرانجام دوستی در مسیر گناه و با افراد فاسد و بد کار، پرده بر می دارد و می فرماید: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» همه دوستان در آن روز (قیامت) دشمنان یکدیگرند مگر پرهیزکاران^۲.

تبدیل شدن این گونه دوستی ها به عداوت در روز قیامت طبیعی است چرا که هر یک، دیگری را در گمراهی و غفلت از خداوند، مقصر می داند و تنها پرهیزکاران هستند که دوستی آن ها پایدار است چرا که بر محور خوبی ها و ارزش های پایدار بوده است.^۳

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْهَوَى مَنَسَاءٌ لِلْإِيمَانِ وَ مَحْضَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ؛ هَمْنَشِينِي بَا هَوْس رَانَان بَاعْثُ أَزْ يَاد رَفْتَنِ إِيْمَانٍ وَ حَاضِرُ شَدْنِ شَيْطَانٍ اسْت^۴».

^۱ خوانساری، جمال‌الدین، شرح غرر الحکم، ج ۷، ص ۱۹۶، ح ۵۸۳۹.

^۲ سوره زخرف، آیه ۶۷

^۳ مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۱۰

^۴ نهج البلاغه، خطبه ۸۶

نتیجه

یکی از اهداف اصلی انبیای الهی، ایجاد و تقویت اخلاق در جامعه است. پس از اعتقاد به خدا و پیامبر (ص)، اخلاق به عنوان مهم‌ترین مسئله از دیدگاه اسلام مطرح می‌شود. سستی در تزکیه اخلاق می‌تواند به از دست رفتن اعتقادات اصلی انسان منجر شود. قرآن کریم به این موضوع اشاره کرده و نشان می‌دهد که برخی از عادات و خلق‌وخوی ناپسند می‌توانند مانع ایمان به خدا شوند.

مردم برای رسیدن به یک رابطه اجتماعی نیاز به یک الگوی اساسی دارند دین اسلام به عنوان دین کامل قرآن کریم را به عنوان الگویی برای مسلمانان قرار داده است و مردم را به عمل به مبانی قرآن دعوت نموده است. و به مردم تاکید کرده که برای رسیدن به رابطه سالم و اخلاق در جامعه اسلامی با یک دیگر به طور صحیح به یک تعامل درست رسیده و حق یک دیگر را رعایت کنند و با اخلاق نیک با یک دیگر برخورد نمایند تا بتوانند امنیت و روابط صحیح را در جامعه برقرار سازند. از طرفی نیز باید از برخی رذایل اخلاقی پرهیز نمایند تا تمدن را محقق سازند یعنی از خشم و تکبر جلوگیری کنند و اخلاق بد را از خود دور سازند.

منابع

قرآن کریم

- (۱) ابن بابویه، محمد بن علی، عیون الاخبار الارضا، قم، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ه
ق
- (۲) انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم، ام ابیها (س) ۱۳۸۰. ه ش
- (۳) امین، سیده نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، اصفهان، گلبهار، ۱۳۸۹ ه
ش
- (۴) برازش، علی رضا، تفسیر اهل بیت، تهران، امیر کبیر، ۱۳۹۶ ه ش
- (۵) بیگی، روح الله، ارزش های اجتماعی در قرآن، قم، اسوه، ۱۳۸۹ ه ش
- (۶) پسندیده و همکاران، عباس، مهار خشم، تهران، نشر فرنگ اسلامی، ۱۳۹۰ ه ش
- (۷) جمعی از نویسندگان، روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، قم، سمت، بی تا
- (۸) حسینی همدانی، سید محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران، لطفی، ۱۳۸۰ ه ق
- (۹) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، نشر موسسه آل البیت، بی تا
- (۱۰) خوانساری، جمال‌الدین، شرح غرالحکم، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران،
۱۳۸۴ ه ش
- (۱۱) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۷۱ ه ش
- (۱۲) رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، بی
تا
- (۱۳) ساروخانی، باقر، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۸۰ ه ش
- (۱۴) سیوطی، جلال الدین، الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع
رسانی تبیان، ۱۳۸۷ ه ش
- (۱۵) شبر، عبدالله، الاخلاق، قم، هجرت، ۱۳۷۴ ه ش
- (۱۶) صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان، قم، شکرانه، بی تا
- (۱۷) طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، دار الکتب اسلامی، ۱۳۶۰ ه ش
- (۱۸) طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار
احیاء التراث العربی، بی تا.

- ۱۹) عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیر کبیر، چاپ سی و هشت، ۱۳۹۰ ه.ش.
- ۲۰) فیض کاشانی، محسن، محجه البیضاء، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۸۲ ه.ش
- ۲۱) قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ه.ش
- ۲۲) قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ه.ش
- ۲۳) کوئن، بورس، مبانی جامعه‌شناسی، غلام‌علی توسلی، تهران، سمت، ۱۳۸۳ ه.ش
- ۲۴) کولب، ولیام، جولیس، گولد، فرهنگ علم اجتماعی، پرهام، باقر، تهران، مازیار، ۱۳۹۱ ه.ش
- ۲۵) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم، دارالحدیث، بی تا
- ۲۶) گروهی از مترجمان، تفسیر جوامع الجامع، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۴ ه.ش
- ۲۷) مسکویه، احمد بن محمد، تهذیب اخلاق و تطهیر الاعراق، سلجوقی، صلاح الدین، تهران، عرفان، ۱۳۹۴ ه.ش
- ۲۸) مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، قم، موسسه آثار و نشر امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ ه.ش
- ۲۹) میر سلیم، مصطفی، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ه.ش
- ۳۰) موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، تهران، نشر دارالاسلامیه، بی تا.
- ۳۱) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، موسوی همدانی، محمد تقی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، بی تا
- ۳۲) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ش.
- ۳۳) محمدی ریشه‌ری، محمد، میزان الحکمه، دارالحدیث، چاپ پنجم ۱۳۸۴ ه.ش
- ۳۴) _____، تحکیم خانواده از دیدگاه قرآن و حدیث، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷ ه.ش
- ۳۵) _____، دانشنامه قرآن و حدیث، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۰ ه.ش
- ۳۶) نیکزاد، محمود، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، کیهان، ۱۳۹۳ ه.ش
- ۳۷) نوابی نژاد، مریم، «آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده» اندیشه‌های راهبردی، تهران، زن و خانواده، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، بی تا